

صورت مرقومه شماره ۱۱۶۴۹ اینمحفلی مورخه ۱۱ شهر
الجلال سنه یکصد و هفتم تاریخ بدیع که خطاب به ناشر
نفعات الله و مبلغ امرالله جناب فاضل مازندرانی علیه بها الله
صادر گردیده و شرحی که جناب معظم له درین باب مرقوم
داشتند اند ذیلا درج متمنی است مندرجات آنرا باطلاع
یاران عزیزمحل خود برسانند تا هرکس دارای جلد سیم
"کتاب ظهورالحق" میباشد باصلاح و تصحیح و تبدیل موارد مزبوره
اقدام نماید :

ناشر نفعات الله و خادم صمیمی امرالله جناب
فاضل مازندرانی علیه بها الله

همانطور که آن فاضل جلیل مسبوق و مستحضرند مولای
توانا حضرت ولی امرالله ارواحنا لقدرته الفداء در توقیعی
منیج مبارک مورخ ۱۵ سپتمبر سنه ۱۹۳۲ راجع بمجلدات -
تاریخ "ظهورالحق" و انطباق آن با تاریخ تبیل این دستور
را صادر فرموده اند قوله الاحلی :

"فرمودند که لجنه شی مخصوص جهت رسیدگی و ترتیب
و تطبیق تاریخ جناب فاضل مازندرانی بامندرجات تاریخ
تبیل زرندی من دون تصویق تعیین نمائید و در انجام این
وظیفه سعی و اهتمام کامل بگمارید"

چنانکه آن نفس محترم مستحضرند برای اجرای دستور
مطاع مقدس فوق اقدام لازم از طرف اینمحفلی بعمل آمده و با
آنجناب نیز درین باب مکاتبه و مخابره گردیده و اخیرا نیز
اجرای منظور مزبور بعهده لجنه ملی نشریات امری محمول
گردیده و بدین مزبوره در جلسات رسمی پیش جلد سیم
کتاب "ظهورالحق" را با مندرجات تاریخ تبیل تطبیق و موارده

د بجز قابل تعدیل و اصلاح دانسته اند :

- ۱- صفحه ۱۶ ظهور الحق : واما تفصیل بیان امکانه تاریخیه و محلهای توقف حضرت در تبریز نخست خانه محمد بیک چاپارچی واقع ۰۰۰ در صفحه ۱۸۷ تاریخ عربی نیبیل مرقم است که حضرت اعلی راجحه بیک چاپارچی در نزد یکس تبریز تسلیم ما مورین حاکم تبریز کردند که ولیعهد بود ۰۰۰
- ۲- ایضا در صفحه ۱۷ ظهور الحق : خوب و زجر آن مظالم در حیاط بیرونی آن خانه بدست وزیر (شیخ الاسلام) واقع شد ۰۰۰ در صفحه ۲۹۵ عربی نیبیل : قدیمه ضرب وزیر را در نماز سگاه شیخ الاسلام نوشته است و فلس نمازخانه هم در تاریخ نیبیل عربی و انگلیسی هست در عربی صفحه (۲۵۴) انگلیسی (۳۱۸)

- ۳- در آخر صفحه ۲۶ و اول صفحه ۲۷ ظهور الحق این عبارت مرقم است :
و جسد مشیک و مقطوع آن شهید (سلیمانخان) در محلی بخانج از خندق و دروازه قدیم شاهزاده عبیدالغظیم طهران تحت اطباق رمل و حصات مستور شده ۰ اما در تاریخ نیبیل عربی شهادت ایشانرا در صفحه ۴۹۶ در امام زاده حسن قید نموده ۰
- ۴- از سطر ۱۱ تا ۱۶ صفحه ۳۰ ظهور الحق مخالف تاریخ نیبیل است ۰

- ۵- در اوایل صفحه ۶۳ ملا مهدی خوئی جزو حروف حی شمرده شده در صورتیکه آواز حروف حی نیست ۰
- ۶- در صفحه ۶۹ در اوایل صفحه نوشته شده : واما تفصیل اوضاع محبس و قضیه ماکو و احوال علیخان را در بخش سابق آوردهیم و ارتفاع ندا صریح قائمیت و تاسیس شریعت و

صدر کتاب بیان فارسی عربی در سخن ماکو وقوع یافت ۰ انتهى ولی در تاریخ نیبیل مذکور است که حضرت اعلی را وقتیکه برای مجاکمه به تبریز آوردند اول بجناب عظیم در بیرون دروازه - تبریز و بعد در مجلس ولیعهد اظهار قائمیت فرمودند ۰

- ۷- در اوایل صفحه ۷۵ ظهور الحق مرقم است که نوروز علی توقیع حضرت اعلی را از زنجان برای حاجی سلیمانخان برد و در تاریخ نیبیل حامل توقیع ملا اسکندر است ۰
- ۸- صفحه ۹۳ ظهور الحق نوشته است دختر محمد شاه را با زواج حضرت اعلی در آورد و در صفحه ۱۶۲ نیبیل عربی خواهر محمد شاه است ۰

- ۹- در صفحه ۹۸ ظهور الحق مینویسد که میرزا محمد علی نهری فرزندی نداشت رجا کرده حسب الاماره از سوار مبارک خورد ولی از تاریخ نیبیل اینطور برمیآید که میرزا ابراهیم از محضر مبارک رجای فرزند برای برادر خود میرزا محمد علی نمود در حالیکه میرزا محمد علی در آن مجلس حاضر نبود ۰
- ۱۰- در صفحه ۱۰۴ سطر هفت و هشتم ظهور الحق بطوریکه در همانجا تصریح شده اختلافی در عده شهدای اصفهانی موجود است ۰

- ۱۱- در صفحه ۱۰۹ سطر ۱۰ ظهور الحق مدت اقامت اصحاب را در بدشت ده یم نوشته و در تاریخ نیبیل ۲۲ روز است ۰

- ۱۲- در صفحه ۱۱۴ ظهور الحق از سطر ۱۶ بیه مرقم است که (نیبیل زرنندی درین خصوص چنین نوشت که جناب ملا حسین بشرویه در عنفوان جوانی مجلس درس حاجی سید محمد باقر رشتی را در اصفهان معطل کرد و تا هفت روز در مسائل شیخ اجل احساسی با او گفتگو کرد تا او را مقرب و محترم

ساخت (۱) اما از تلخیص تاریخ نبیل از صفحات ۲۳ و ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ چنین برمیآید که فقط در روز جناب ملاحسین با حاجی سید محمد باقر محاوره فرموده و او را قانع کرده و روز سیم فتوی بر صحت اعتقادات طایفه شیخیه از او اخذ کرده است .

۱۲- در صفحه ۱۱۶ ظهور الحق از سطر ۸ پیوسته چنین برمیآید که برادر جناب ملاحسین در کریملا بوده اند و ایشان یعنی جناب باب الباب پنهانی بکسر بلا مراجعت کرده اند ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۴۷ سطر ۸ مرقم است که (اوقاتیکه جناب ملاحسین در سفر خراسان بوطن خوبش بشروه رفته بودند این دونفر (میرزا محمد حسن برادرشان و میرزا محمد باقر خالوزاده شان) با ایشان همراه شدند .

۱۴- در صفحه ۱۱۶ ظهور الحق از سطر ۱۹ تا سطر دویم صفحه ۱۲۰ آنچه از تاریخ معین السلطنه منقول از کتاب ابواب الهدی تألیف فاضل هشتروندی در کیفیت ایمان حضرت باب الباب نقل شده شباهتی به تلخیص تاریخ نبیل که از سطر آخر صفحه ۴۸ شروع و در سطر ۱۹ صفحه ۵۵ تمام میشود ندارد - باید اعلان کرد که سند تاریخ نبیل است و باین اقوال اعتمادی نیست .

۱۵- در سطر ۱۰ صفحه ۱۲۰ ظهور الحق از تاریخ مسلا جعفر واعظ قزوینی مرقم است که جناب باب الباب باصفهان رفتند و با جناب حاجی سید محمد باقر هفت ماه گفتگو کردند اما چنانچه قبلا معروض افتاد از صفحه ۲۳ الی ۲۶ تلخیص تاریخ نبیل مستفاد میگردد که فقط در روز محاوره ما بین آن دونفر بوده است .

۱۶- از سطر اول صفحه ۱۲۷ تا سطر ۱۷ صفحه ۱۲۹ - ظهور الحق از نوشته آقا سید ابوطالب بقیه السیف شهید زاده

در کیفیت سلوک و گفتار خسرو قادیکلانی و قتل او و سوارهایش نقل شده با مندرجات تلخیص تاریخ نبیل که از سطر ششم صفحه ۳۳۷ شروع و در سطر هشتم صفحه ۳۵۵ ختم میشود اختلاف دارد .

۱۷- در صفحه ۱۳۳ ظهور الحق از سطر ۱۲ تا سطر ۱۶ صفحه ۱۳۵ که از نوشته سید ابوطالب بقیه السیف در کیفیت شهادت حضرت باب الباب و اصحاب نقل شده با تلخیص تاریخ نبیل که از سطر سیم صفحه ۳۷۸ شروع و در سطر ۱۳ صفحه ۳۸۰ ختم میشود اختلاف دارد .

۱۸- در صفحه ۱۴۳ ظهور الحق که شرح احوال جناب میرزا محمد حسن اخوی حضرت باب الباب نوشته شده در سطر ۷ و ۸ مرقم است که (پس از شهادت باب الباب حضرت قدوس عمامه خضرا^۱ آنجناب را بر سر وی نهاد و سیف صامش را بدو داد و منصب سرداری جند الهی را بوی سپرد) ولی در صفحه ۴۲۴ تلخیص تاریخ نبیل ضمن شرح احوال جناب میرزا محمد باقر قائم معروف بهراتی در سطر ۱۳ نوشته شده که (ریاست لشکر بعد از ملاحسین از طرف جناب قدوس بایشان واگذار شد)

۱۶- در صفحه ۱۴۸ ظهور الحق سطر ۱۷ تا سطر ۳ صفحه ۴۹ راجع به جناب مقدس و حضرت قدوس حکایتی نقل شده که حاصلش این است که اولاً تاجری آن دونفر را مجبور کرد که چوبی بردوش گرفتند تا هشتاد لنگه شکر را وزن کرد و ثانیاً چون ایشان را از شیراز بیرون کردند در سعدیه بزیارت حضرت اعلی که از حج بازگشته بودند فاتر شدند و همگی بشهر آمدند و چند روز از نعمت لقا مرزوق بودند ولی از صفحه ۱۲۵ و ۱۲۶ تلخیص تاریخ نبیل مستفاد میشود که حضرت اعلی از

بوشهر قدوس را بشیر از روانه کرده و فرمودند که در این دنیا
دیگر من و تو ملاقات نخواهیم نمود و این فقه با تشرف بعدی
جناب قدوس با حضرت اعلی در شیراز که در ظهور الحق نوشته
شده منافات دارد و نیز در صفحه ۱۶۵ تلخیص تاریخ نبیل
سطر ۸ چنین مرقم است که (سابقاً گفتیم که حسین خان
حاکم فارس جناب قدوس و ملا صادق را پس از زجر بسیار و
ادیت بیشمار از شیراز بیرون کرد. جناب قدوس از ملا صادق
جدا شده بطرف کرمان رفتند تا امر مبارک را بحاجی کریمخان
ابلاغ کنند و ملا صادق مقدس برای تبلیغ امر و اعلای کلمه الله
بیزد مسافرت نمود) و این هم بامحیت مقدس با جناب قدوس
منافی است .

۲۰- در صفحه ۱۵۳ سطر ۱۵ ظهور الحق راجع بمیرزا
محمد حسن برادر جناب مقدس نوشته شده که (در ظلمت
شب بدست سروران خسرو قانیکلانی بشهادت رسید) ولسی
در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۳۳۴ از سطر ۴ تا اواخر صفحه
۳۳۵ مستفاد میشود که قتل ایشان و برخی دیگر از اصحاب
در روز بوده است .

۲۱- در صفحه ۱۵۴ ظهور الحق سطر ۱۶ ضمن شرح
احوال میرزا احمد از قدسی مرقم است که (ملا صادق مقدس
از طرف کرمان وارد یزد شد) این فقه هم با صفحه ۱۷۴ -
سطر ۱۱ تاریخ نبیل و هم با صفحه ۱۵۱ سطر ۴ ظهور الحق
اختلاف دارد زیرا جناب مقدس بموجب نوشته هردو کتاب
اول یزد و بعد بکرمان رفته اند .

۲۲- در صفحه ۱۷۸ ظهور الحق سطر ۱۱ راجع بجناب
حجت مرقم است که (بدین نوع صیقلش را همه کس در همه
جانشید و از طهران از جانب شاهن خلیعت و لقب حجة الاسلام

برایش رسید و لذا نزد اهالی بعنوان حجت معروف گردید)
ولی در صفحه ۵۵۰ تلخیص تاریخ نبیل سطر اول چنین
است که (یکروز جناب حجت با شاگردان خود مشغول صحبت
بودند در این بین مشهدی احمد از شیراز مراجعت کرد نامه
سر بهری از حضرت اعلی بحجت داد لرحی از حضرت
اعلی بود که در ضمن آن ایشانرا ملقب بحجت فرموده بودند
عبارت جناب نبیل هم بظهور الحق اضافه نمود .

۲۳- در صفحه ۱۸۱ ظهور الحق سطر ۲ راجع بواقعه
زنجیان مرقم است که احیاء الله نوزده سنجر داشته اند ولسی
در صفحه ۵۷۰ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۹ نوشته شده که
(بیست و هشت سنجر در قلعه ساختند)

۲۴- در صفحه ۱۸۲ ظهور الحق سطر ۲ نوشته شده که
(شجاعت و شهادت دو خواهر که یکی شاه منم ملقب بسه
رستمعلی بود زیب تاریخ محاربات مذکوره است) ولی در
صفحه ۵۷۱ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۹ مرقم است که (در
ضمن زنجائی که در قلعه بودند زنی دهاتی موسوم به زینب
بود) تا اینکه در صفحه ۵۷۳ سطر ۶ نوشته شده که (بسه
واسطه شجاعت و قوت قلبی که داشت زینب را رستمعلی نام
نهادند) اینجا اختلاف در اسم اصلی رستمعلی است .

۲۵- در صفحه ۱۸۶ ظهور الحق سطر آخر ضمن بیان
احوال آقامیر محمد علی مذکور است که (بالاخره در سن
کهنولت و آخر ایام حیات با برادرش آقامیر مهدی و سه پسرش
آقا سید احمد و آقا سید ابوالقاسم و آقامیر ابوطالب بعزم اقامت
عراق و مهاجرت مشاهده متبرکه ائمه اطهار بکربلا رفت و قریب
سی نفر از تلامذه و مخلصینش نیز همسفر شدند و با برادر و
پسران در کربلا سکنی گزید و چون در دهان سنین ظهور

حضرت باب الله الاعظم شد و علمای اصحاب در عراق بسر ای
 نشار میدیج میدان وسیع بیان و عرفان واقامه دلیل و برهان
 باز کرده آرایه آیات و اشاعه بینات نمودند و لاسیما ملا علی
 بسطامی حسب الامر کتاب تفسیر سوره یوسف و صحیفه مکنونه
 بکریلا آورده باعلما مذاکره و مناظره کرد در سال ۱۲۶۲ بسا
 پسرش سید احمد و بعضی دیگر از علما صحیفه و خطب و مناجات
 بواسطه ملا ولی الله آملی مطالعه و تلاوت نمود و چنان متأثر
 و متعجب شد که همی گریسته چنین گفت صاحب این کلمات از
 سر چشمه نوشتید و بر هر مکلفی واجب است در طلبش برآید و من
 افسوس که عمرم باخر رسید و مقراض پیری رشته سخن و حرکت
 را قطع نمود و از وصول باین سعادت محروم آنگاه در حق فرزند
 ارشدش آقا سید احمد مذکور بشارت داد که درک ظهور نموده
 فائز بسعادت و سعادت موفور میگردد و دستها بیالایرافراشته
 در باره وی دعا کرد که در این مدعا بداء نشده وقوع و تحقق
 یابد و در آن شهر اخیر حیاتش همی بدوستان و آشنایان
 مژده حلول میقات ظهور موعود داد و موافق آنچه بهفت ماه
 قبل از وفاتش در عالم رؤیا دید پسران و دوستانش را بکوتاهن
 ایام باقیه عمرش آگاه نمود حتی بوم وفات خود را تعیین داشت
 و چنانچه گفته بود بسال ۱۲۶۳ از بدعالم درگذشت (ولی در
 صفحه ۴۰۹ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۴۹ مرقوم است که) میر
 محمد علی یکی از شاگردان جناب شیخ احمد احسانی بود -
 نهایت ارادت را بشیخ داشت و از علما محروفت محسوب بسود
 یکسال قبل از ظهور بکریلا عزیمت نمود سید احمد و میرزا -
 ابوالقاسم پسران او نیز همراهش بودند ۰۰۰ باری میر محمد
 علی مقصودش این بود که بکریلا برود و در پسر خود رایسه
 خدمت جناب سید کاظم بگمارد و تحقیق بکریلا رسیدند جناب

سید کاظم صعود فرموده بودند میر محمد علی بجانب نجف
 عزیمت نمود در نجف خوابی دید که حضرت رسول علیه السلام
 بحضور امیر المؤمنین علی علیه السلام فرمودند بمیر محمد
 علی بگو که سید احمد و میر ابوالقاسم دو پسر او بحضور قائم
 موعود مشرف خواهند شد و در راه آنحضرت شهید خواهند
 گردید میر محمد علی از خواب بیدار شد و فرزندش سید احمد
 را طلب کرد و آنچه را در نظر داشت با و وصیت نمود و کفیه
 بعد از این خواب وفات یافت) اختلاف اینجا اولاً در
 تاریخ ورود میر محمد علی بعبتات و ثانیاً در رفتن واقامت
 گردیدن او در نجف است که در ظهور الحق ذکری از آن نیست
 و ثالثاً در عده پسرانش است که همراه خود برده زیرا در -
 ظهور الحق سه پسر و رتلیخص تاریخ نبیل دو پسر ذکر کرده
 و رابعاً در ایمان اوست که در ظهور الحق نوشته شده آیات
 حضرت اعلی باور سید و مؤمن شد و از تاریخ نبیل برمیآید که او
 قبل از ارتفاع ندای آنحضرت وفات کرده و خامساً در رؤیای
 اوست که صاحب ظهور الحق هفت ماه قبل از وفات و نبیل يك
 هفته قبل از وفات تعیین نموده است باری مندرجات کتاب
 ظهور الحق مستند بنوشته آقا سید محمد رضا است که قسمتی از
 آن در حواشی صفحات ۱۹۱ و ۱۹۲ و ۱۹۳ نقل شده است
 ۲۶- در صفحه ۱۸۷ ظهور الحق سطر آخر نوشته شده
 که (عمر کربلائی ابومحمد نیز وفات کرده قبل از ارتفاع صیبت
 امریدیج بجهان دیگر رفت) و نیز در صفحه ۱۸۸ ظهور
 الحق سطر ۴ راجع بپسرانش کربلائی علی نوشته شده که
 (بتشویش و تائید کربلائی علی مذکور که در رعایت ضعف پیری
 حیات داشت پسرش صغر علی بایستگارش بداندسورفتند -
) یعنی بقلعه رفتند و چنان مؤمن و مخلص بود که بعداً

چون خبر شهادت پسر جوان شهید بهمام رفته دست و پا و محاسن خضاب نموده گفت الحمد لله برای پسرم عروسی کردم (ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۴۱۰ سطر ۱۷ مرقوم است کسه (در سال ۱۲۶۱ هجری این دو پسر را در بمردم اعلان کردند که در این سال مردی موسوم بسید علی ظاهر میشود و با علم سیاه از خراسان بهمازندان تشریف میآورد ۰۰۰ کربلائی ابو محمد و کربلائی علی هر دو در بهار همان سال وفات یافتند) - اختلاف این دو تاریخ یکی در این است که ظهور الحق میرساند که کربلائی ابو محمد قبل از سال ظهور وفات کرده و تلخیص تاریخ نبیل مسی فهماند که او تا بهار سال ۱۲۶۱ که یکسال بعد از ظهور است زنده بوده - اختلاف دیگر در این است که صاحب ظهور الحق کربلائی علی را تا سال ۱۲۶۵ که چنگ در قلعه پایدار بسوده زنده میدانند و نبیل وفات او را با پسرانش در سال ۱۲۶۱ ذکر نموده است ولی باز در جای دیگر از تلخیص تاریخ نبیل یعنی صفحه ۴۲۷ سطر ۱۷ نوشته شده که (کربلائی علی و کربلائی ابو محمد نتوانستند خود را بقلعه برسانند زیرا مریض بودند) و در اینجا دو موضع مذکور از تلخیص تاریخ نبیل یعنی صفحه ۴۱۱ سطر ۹ و ۱۰ با صفحه ۴۲۷ سطر ۱۷ و ۱۸ یا یکدیگر اختلاف دارند .

۲۷- در صفحه ۱۹۵ ظهور الحق سطر ۲ مرقوم است کسه (آقا میرا بوطالب جناب باب را چون هدف گلوله شدند بمساعدت چند تن دیگر از اصحاب بقلعه برد) ولی در صفحه ۳۸۰ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۱ نوشته شده که (دو نفر جوان خراسانی از اصحاب باب الباب که یکی موسوم بقلی و دیگری موسوم بحسن بود پیش آمدند و جناب باب الباب را بر آستانه بقلعه بردند) و نیز در صفحه ۴۲۵ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۵ در ضمن ذکر سال ۱۲۶۱

شهادت قلعه مرقوم است : (دهم و یازدهم جشن و قلی این دو نفر بودند که با کمک اسکندر زنجانی بدن جناب ملاحسین را پس از گلوله خوردن بقلعه بردند)

۲۸- در صفحه ۲۲۵ ظهور الحق سطر ۱۹ در ضمن شرح احوال میرزا قربانعلی بارقرونی و شرح شهادت مرقوم گشته که (چون حضرت ذکوانه را سواران دولتی بقره کلیه رساندند در آنجا بزیارت فائز گشت) ولی در صفحه ۴۶۳ - تلخیص تاریخ نبیل که از سطر ۶ شرح احوال آن شهید مجید شروع و در سطر ۱۸ صفحه ۴۶۸ پایان میرسد ذکر از تشریف او و محضر مبارک حضرت اعلی نیست بلکه در او آخر صفحه ۴۶۵ از قول او نقل شده که (او - یعنی حضرت اعلی هزاران نفر مثل مرا که بحضورش مشرف نشده اند مورد تاءثیر خود قرار داده) و نیز در محاوراتی که مابین آن شهید سعید و امیر کبیر در کتاب وارد شده اختلاف است .

۲۹- در صفحه ۲۴۴ ظهور الحق سطر ۸ مرقوم است که (دیگر شیخ سلطان کربلائی آباء و اسلافش از علماء و مشایخ کربلا و خود از تلامذه جانیان سید رشتی بود و بواسطه ملا علی بسطامی مطلع و منجد بظهور حضرت باب گردید) ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۲۵۴ سطر ۸ چنین است که (از جمله نفوسیکه حضرت طاهره در کربلا تبلیغ فرمود شیخ سلطان کربلائی بود) اختلاف اینجا در این است که صاحب ظهور الحق واسطه ایمان شیخ سلطان را جناب ملا علی بسطامی شمرده و نبیل مبلغ شیخ سلطان را حضرت طاهره ذکر کرده . بیان تاریخ نبیل اضافه شود .

۳۰- در صفحه ۲۵۹ ظهور الحق سطر آخر در ضمن شرح احوال شیخ محمد شبلی نوشته شده است که (با فرزند رشید

خود آقا محمد مصطفی در موکب آنجناب واصحابش مجسد داد
 قدم بیلا در ایران گذاشته تا قزوین مهیای امانت ونصرت شد و
 از آنجا بیخدا عودت کرد (ولی در تلخیص تاریخ نبیل صفحه
 ۲۵۶ سطر ۹ مرقم است که) حضرت طاهره در همدان بود که
 جمعی از قزوین از طرف پدرش حاجی ملا صالح برای پیشبازی
 او آمدند و مقدم اورا تهنیت گفتند و از او درخواست نمودند که هر
 چه زودتر قزوین برود و مدتی را در آنجا اقامت فرماید حضرت
 طاهره پس از تأمل گفتار آنانرا قبول کرد و جمعی از همراهان
 خود را از قبیل شیخ سلطان و شیخ محمد شبلی پسر کوچکش
 محمد مصطفی عابد و سرش ناصر که بعدا با حاجی عباس معروف
 شد همه را فرمود بعراق عرب مراجعت کنند و جمعی را اجازه
 داد که با او باشند مانند شیخ صالح عرب و ملا ابراهیم گلپایگانی
 و میرزا محمد علی حرفی که شوهر خواهر طاهره بود
 و اما در طاهره سید عبدالهادی این دو نفر از کربلا تا قزوین یا
 حضرت طاهره بودند (اختلاف اینجا در این است که در
 ظهور الحق مرقم است که شیخ محمد شبلی و آقا محمد مصطفی با
 جناب طاهره تا قزوین همراه بودند و نبیل مینویسد که آمد و نفر
 با سایر اصحابیکه اسم برده است از همدان بعراق عسرب
 مراجعت نمودند .

۳۱- در صفحه ۲۶۱۰ ظهور الحق سطر ۳ مرقم است که
 (دیگر از مشاهیر بایه عراق شیخ صالح کریمی بواسطه جناب
 بسطام ایمان بامر مدیح آورده از اصحاب خاص وفد ایشان پس
 اخلاص قوه العین شد) ولی در صفحه ۲۵۴ سطر ۲ تلخیص
 تاریخ نبیل مسطور است که (از جمله نفوسیکه در کربلا بواسطه
 جناب طاهره بامر مبارک مؤمن شد جناب شیخ صالح بود) در
 اینجا اختلاف راجع بمبلغ جناب شیخ صالح کریمی است که در

ظهور الحق جناب بسطام و در تاریخ نبیل جناب طاهره ذکر
 شده .

۳۲- در صفحه ۳۶۹ ظهور الحق سطر ۱۷ راجع بمسلا
 عبدالکریم قزوینی مسطور است که (بواسطه ملا تقی شیخ
 قزوینی در سلك علماء شیخیه منسلک گشت) ولی در صفحه
 ۱۴۹ تلخیص تاریخ نبیل چهار سطر باخرمانده مشعر است
 که ایشان بواسطه حاج الله وردی پدر آقا محمد جسد را در
 فرهادی معرفت بحال جناب سید پیدا کرده و محضر سرش
 شناسانده .

۳۳- در صفحه ۳۸۶ ظهور الحق سطر ۱ مسطور است
 که (در بخش سابق ضمن اوضاع قلعه مازندران نوشتیم که
 پنج تن از مؤمنین قزوین در قلعه طبرسی مازندران بشهادت
 رسیدند ولی در صفحه ۴۳۱ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۹
 تا سطر ۶ صفحه ۴۳۲ از شهدای قزوین شش نفر شمرده شد .
 ۳۴- در صفحه ۴۵۴ ظهور الحق سطر ۱۳ راجع بسه
 احوال سید بصیر هندی مسطور است که (طولی نکشید که در
 بعضی از شیخ سعید مذکور خبر ظهور باب مدینه علم و معرفت
 و واسطه قربیت الهیه شنیده و بید رنگ بایران بازگشت و چون
 حضرت باب اعظم بسفر که رفت لاجرم بدانسو شتافت و در مسجد
 الحرام بغیض لقا قاتر گردید حلقه اخلاص و ارادت کامله بگوش
 و سر از آن بعزم شیراز رفت و ایامی رسید که حضرت مهاجرت
 کردند لاجرم بنا بر سیر و هدایت نهاد و در بلاد و محسورات
 همی سفر کرد) ولی در صفحه ۶۱۹ تلخیص تاریخ نبیل سطر
 ۱۱ مرقم است که (شیخ سعید هندی که از حروف حی بود
 بامر مبارک به هندوستان مسافرت نمود و چون بشهر مولتان
 رسید سید بصیر هندی که بر دی دانشمند بودند ای ظهور

جدید را از وی شنید و بدلائل فطرت اصلیه بامر مبارک مؤمن شد ۰۰۰ اول قدمی که برداشت این بود که بشیراز عزیمت کرد و با آنکه نایبنا بود تحمل صدمات نمود و چون بشیراز رسید دانست که حضرت اعلی بامر شاه در کوه آذر بایجان محبوس است بفرمان از شیراز بپهران و از آنجا بنور سفر کرد و ملاقات حضرت بها الله فائز گردید این ملاقات تلاقی ماقات کرد در اینجا مابین دو تاریخ دو اختلاف است اول اینکه در ظهور الحق مذکور است که در بمبئی خبر ظهور رسید بصیر رسیده و در تاریخ نبیل در مولتان قید شده دوم آنکه در ظهور الحق مذکور است که پس از ایمان بایران و از آنجا بکه رفت و بشرف لقای حضرت اعلی نائل شد و در تاریخ نبیل مرقم است که از شیراز بپهران و نور رفت و زیارت جمال قدم فائز گردید .

۳۵ - در حاشیه ۲۴ ل ظهور الحق نقل از وقایع المیمیه آقا سید حسین مهجور زواره راجع بحرکت جناب باب الباب بسوی مازندران چنین است که (خروج ملا حسین را با جمعیت اصحاب از مشهد یم ۱۶ شعبان ۱۲۶۴ و ورود کربلائی - اصغر بنا قاتین با توقیعی از حضرت قدوس و عمامه خضرا و نام سید علی را در قره مزینان و ورود کربلائی قنبر علی را با توقیعی دیگر و بالقب سلطان منصور و فرمان ورود ببارفروش - بعد از حرکتشان از منزل فولاد محله نوشته) ولی در صفحه ۲۱۶ تلخیص تاریخ نبیل سطر ۱۴ چنین است که (جناب ملاحسین هنوز در مشهد بودند که شخصی از جانب حضرت باب بعشید وارد شد و عمامه حضرت باب را که مخصوص جناب ملاحسین عنایت فرموده بودند یا بشان داد و گفت حضرت اعلی بنما فرمودند که این عمامه سبز را بر سر خود بگذارید و رایت سیاه را در مقابل و پیشاپیش موبک خود برافراشته برای

مساعدت و همراهی با جناب قدوس بجزیره الخضرا توجه کرد و از این بیعت بنام جدید سید علی خوانده خواهی شد جناب ملا حسین چون پیام مبارک را از آن قاصد امین شنید بغروریت امر مبارک را انجام داد و بکفرسخ از شهر دور شده عمامه حضرت اعلی را بر سر گذاشت و علم سیاه را برافراشت ۰۰۰ وقوع این مطلب مهم تاریخی در روز نوزدهم شعبان سال هزار و بیست و شصت و چهار هجری بود (اختلاف اول در این است که در ظهور الحق نوشته شده که دو نفر در توقیع از حضرت قدوس آوردند و در تاریخ نبیل نامی از توقیع نیست بلکه ذکر پیغام شده است آنهم از حضرت اعلی - ثانیاً در ظهور الحق از سیاق کلام پیدا است که فرستادن عمامه خضرا هم بجناب قدوس نسبت داده شده در صورتیکه در تاریخ نبیل فرستادن عمامه را از جانب حضرت اعلی مینویسد ثالثاً در ظهور الحق ورود عمامه در مزینان ذکر شده و در تاریخ نبیل در شهر مشهد .

۳۶ - در ذیل صفحه ۲۳۴ ظهور الحق اشعاری از مثنوی ذبیح کاشانی نقل شده که در بیت چهارم آن شیخ ابوتراب اشعاری را از حروف حی قلمداد کرده و حال آنکه بنا بماند رجات تلخیص تاریخ نبیل صفحه ۹۹ که اسامی حروف حی در آن ذکر شده شیخ ابوتراب جز آنها نیست

۳۷ - در هامش صفحه ۴۶۶ ظهور الحق منقول از نوشته ملا عبدالرحیم قزوینی در کیفیت ایمان جناب سید یحیی در این حکایتی است که بامندرجات تلخیص تاریخ نبیل که از سطر ۱۵ صفحه ۱۵۵ شروع و در سطر ۲ صفحه ۱۶۱ ختم میشود اختلاف دارد . اگر اختلاف دارد اصلاح شود .

اگر خود آنجناب موارد مزبوره را اصلاح و شرحی خطاب

بدارندگان کتاب مرقوم خواهند فرمود که بهمان قرار رفتار
کنند فیها المطلوب والا مرقوم فرمایند تا این محفل موضوع را به
احباب^۱ ابلاغ نماید متمنی است نظر خود را سریعاً باین محفل
مرقوم دارند تا این موضوع هر چه زودتر انجام پذیرد . انتهى

صورت مرقومه جناب فاضل مازندرانی علیه بها^۲ الله

امین اصغر و احقر منتسبین بسده سنیه الهیه معروف به
فاضل مازندرانی که بالاولی بایستی شوط قبول هر عمل و -
خدمتی را رضای مولی العالمین و انطباق با دستور محفل روحانی
بداند از عموم اهل بهانه نسخه از مجلد سوم تاریخ مسلسل
ظهور الحق را مالک اند استدیها دارم که مواد ۲۷ گانه مسطور
در رقیمه مطاعه محفل مقدس روحانی ملی بهائیان ایران
زاد الله تائیداتهم را هر یک در مجلس از کتاب مذکور نگه دارند
و در موقع قرائت یا مطالعه بنظر گیرند و اگر هم بخواهند ورقه
جداگانه نقل از کتاب تاریخ نبیل زندی بآنمورد از کتاب
الحاق نمایند و یا درها مش صفحه بنگارند که در تاریخ نبیل
زندی چنین مسطور است وهو الحق والصواب بسیار مناسب
و بجا میباشد تا در موقع طبع دیگر اگر خداخواست و تقدیر با
تدبیر موافق شد بنوعی مناسب اصلاح گردد . انتهى

مزید تائید تا انرا ما نلیم

منشی محفل / علی اکبر قزوینی /